

جریان شناسی اسلام در چین(با تاکید بر تصوف)

سیدعلی بطحایی

سرزمین پهناور و تاریخی چین که به تنهایی در قد و قواره یک قاره است، از کهن‌ترین تمدن‌های جهان شمرده شده است. بر اساس برخی از اسناد تاریخی، ورود اسلام به سرزمین چین به صدر اسلام بازمی‌گردد و مصادر معتبره ما متذکر می‌شوند که در سال 651 میلادی مصادف با 30 قمری، هیئتی از طرف خلیفه سوم برای ملاقات با امپراتور چین به شهر «چانگ آن» پایتخت امپراتوری «هان» در چین اعزام می‌شوند و در این ملاقات اعتقادات و اندیشه اسلامی و آداب و رسوم مسلمان را به امپراتور چین عرضه کردند و پس از پایان این ملاقات بسیاری از اعضای این هیئت در چین باقی ماندند.

دودمان «یوان» بهترین خاندان حاکم برای نشر دین اسلام در سرزمین چین بودند (۱۲۷۱ تا ۱۳۶۸ میلادی و حدود 650 قمری تا 750) و در سفرنامه های مارکوپولو و ابن بطوطه نقل شده است که در آن دوران هر شهر از شهرهای چین، منطقه ای برای مسلمانان اختصاص داشته که ضمن استقلال مسلمانان از سایرین؛ دارای مسجدی مجزا بوده است.

بنابراین قدمت اسلام در چین بالغ بر هزار و چهارصدسال است و جمعیت مسلمانان چین روز به روز در حال افزایش و تبدیل شدن به بخش مهمی از مسلمانان جهان هستند. ده قومیت هوی، اویغور، قزاق، ازبک، تاجیک، تاتار، قرقیز، سالا، دونگ یانگ و بائوان در چین به اسلام اعتقاد دارند و در حال حاضر تعداد مسلمانان چین از مرز ۲۳ میلیون نفر فراتر رفته است.

پراکندگی فرهنگ قومیت در مسلمان چین:

در میان 56 قومیت ساکن در چین ده قوم پیرو دین اسلام هستند که این اقوام عبارتند از: «هویی»، «اویغور»، «قزاق»، «تاتار»، «ازبک»، «سالا»، «دونگ شیانگ»، «بائوان»، «قرقیز» و «تاجیک». در میان سایر اقلیت‌های قومی چین برخی بودایی و لامایی و اقوامی به مسیحیت اعتقاد دارند.

به طور کلی فرهنگ مسلمان در چین به دو دسته «بومی» و «تلفیقی» دسته بندی شده است:

فرهنگ «تلفیقی» استان سین کیانگ در شمال غرب چین که شامل قومیت های اویغور، قزاق، ازبک، تاجیک، تاتار، قرقیز هستند که فرهنگ آنها از جهت آداب و سنن بسیار به مردم آسیای میانه نزدیک است و دارای فرق تصوف قوی هستند. قومیت تاجیک در این میان، مردمانی هستند که اصالتا از مناطق اصلی خود یعنی آسیای میانه از سال‌های بسیار دور به این کشور مهاجرت کرده و برخی شیعیان اسماعیلیه و گروهی دیگر از آنها نیز شیعه اثنی عشری هستند.

فرهنگ «بومی» مسلمان چین عموماً مشتمل بر قومیت های هوی، سالا، دونگ شیانگ، بائوآن هستند که بیشترین ترکیب جمعیت آنها از قوم هوی است که این مسلمانان بومی در سرتاسر چین پراکنده بوده و فرهنگ آنها تلفیقی از فرهنگ اسلامی-چینی (کنفوسیوس) است.

جریانهای بزرگ اسلامی در چین:

چهار جریان فکری (قدیم، اخوان، تصوف، شیدائوتانگ) چهار جریان فکری اسلامی در چین هستند که عموماً ساکن شمال غرب چین (شین جیانگ، گانسو، لینشیا، چینهای شاشی هستند و شهر لینشیا واقع در استان گانسو، خاستگاه فرقه های تصوف در سرزمین پهناور چین است و عمده آرامگاههای مشایخ تصوف در این شهر واقع است و از این رو لینشیا به مکه چین معروف شده است.

جریان فکری یکم: قدیم

مکتب قدیم مکتب ابتدایی اسلام در کشور چین است که از بدو ورود اسلام به چین مسلمانان از آن پیروی میکردند و عموماً گرایش به مذهب حنفی در آن بروز و ظهور دارد و در حقیقت بافت سنتی اسلام در چین را قدیم می نامند. قدیم در واقع یک فرقه نیست و آن جریان فکری که از زمان ورود اسلام تا زمان ورود تصوف به چین در قرن ۱۶ میلادی حاضر بوده و در آن دوران هیچ اختلافی میان مسلمان چینی نبوده است و از این جهت به آن قدیم گفته اند. بعد از آمدن فرقه های تصوف در چین به افرادی که به سنت چینی قدیم وفادار بودند جریان فکری قدیم گفته اند.

جریان فکری دوم: اخوان

این جریان هیچ ارتباطی به اخوان المسلمین و حتی اخوانی های ساکن عربستان ندارد. فرقه اخوان یا جدید، در اواخر قرن ۱۹ توسط شخصی به نام «ما وان فو»-مشهور به حاج بوستان- تاسیس شد. او متولد روستایی به نام «بوستان» از ایالت دونگ شیان است از این رو به او به «حاج بوستان» می گفتند. وان فو در سال ۱۸۴۹ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد و پدر او از پیروان فرقه تصوف بی جو انگ بود. او در دوران کودکی در مسجد بی جوانگ درس میخواند و در سن ۲۲ فارغ التحصیل از آنجا شد و به زبان عربی و فارسی تسلط کامل داشت و یک امام جوان معروف در آن منطقه شد.

او در سال ۱۸۸۸ با یک امام دیگر آشنا شد و به قصد عزیمت به حج از طریق افغانستان، ایران و عراق عازم عربستان شدند و مدت چهارسال را در مکه به تحصیل علوم اسلامی پرداختند و پس از بازگشت از حجاز تحت تاثیر تفکرات و هابیت قرار گرفته و تصمیم گرفتند که دین اسلام در چین را اصلاح کنند.

جریان فکری سوم: شی دائو تانگ

شی دائو تانگ به معنی خانقاه غربی است و توسط ماچی شی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در شهر لین تان واقع در استان گانسو تاسیس شده است. عمده تلاش این مکتب برآن است که اسلام را با فرهنگ چینی تلفیق کند و با استفاده از کتب اسلامی به زبان چینی که توسط عالمان مسلمان چینی از جمله وانگ دای بی، ماجو و لیو جی اسلام را در میان مردم ترویج می کند. ما جی شی بنیان گذاری این مکتب بود و به فرهنگ و ادبیات چینی تسلط داشت و پس از نیل به درجه علمی شیو تسا (کسی که امتحان شاهنشاهی را در سطح شهرستان در دسته های مینگ و جینگ موفق شده است) اقدام به تاسیس مدرسه خصوصی کرد و علاوه بر تدریس کتب کنفوسیوس؛ آثار اسلامی به زبان چینی مانند حقایق الاسلام، و شرایع الاسلام، التفسیر الحقیقی للدين الصحيح و ارشاد الاسلام را به علاقمندان آموزش می داد.

جریان فکری چهارم: تصوف

در کشور چین متصوفه با تصوف مصطلح در بین ما بسیار متفاوت است و برخی انحرافات در آنان وجود ندارد، این طلاب ممکن است از برخی مناطق متصوفه پذیرش شده باشند، ولی پس از تحصیل به میان قوم خود باز می گردند و مبلغ اسلام اصیل می شوند. به دلیل قرابت مبانی مکتب تصوف با برخی آموزه های شیعی این افراد سد محکمی در برابر وها بیت هستند.

در یکی از همین مراکز تصوف در چین مسجدی وجود دارد که برای اولین بار در چین عبارت علی ولی الله را

حک کرده است که به صورت نئون تا صبح در بزرگترین میدان شهر می‌درخشد.

الف. خوفیه:

خوفیه در لغت به معنای ذکر با صدای خفیف است و یکی از چهار مکتب بزرگ تصوف اسلامی سرزمین چین است که در طول تاریخ انشعابات فراوانی پیدا کرده است.

منشا فرقه‌های خوفیه در چین متفاوت است؛ برخی از خوفیه همانند «بی جیاچانگ» توسط مبلغین عرب و ایرانی تاسیس شده اند و بعضی دیگر همانند «هواسی» توسط عالمان مسلمانی که از چین که به کشورهای اسلامی سفر کرده و در بازگشت فرقه ای را تاسیس و منشا برخی دیگر از خوفیه مانند «خو من» برخی عالمان مسلمان چینی بوده که با تحقیق و بررسی درباره تصوف آن فرقه صوفی را بنیان نهاده اند.

در حقیقت اصل خوفیه از نقشبندیه نشأت گرفته است که بنیان آن توسط محمد بهاء الدین نقشبندی (متوفی 791 قمری) بوده است.

مخدوم اعظم در شهر باستانی کاشغردر ایالت سین کیانگ اقامت کرده و دو فرزند فرقه ساز به نامهای خواجه اسحاق و محمد امین داشت که در تصوف خوفیه تاثیرگذار بودند.

فرزند ارشد او خواجه اسحاق مؤسس شاخه اسحاقیه با قره داغلیک سلسله سیاه کوهی و خواجه هدایت ا[معروف به آفا/آفاقی نوه محمد امین، بنیان گذار فرقه خلوتیه شاخه آفاقیه گردید.

در قرن ۱6 میلادی محمد یوسف نوه شیخ مخدوم اعظم در ایالت سین جیانگ خوفیه را ترویج کرد و سلسله سفید کوهی رواج فراوانی یافت تا اینکه در قرن ۱۷ میلادی خوفیه با محوریت منطقه سین جیانگ و کشورهای خاور میانه توسط هدایت ا[و مای می از طریق مسافرت‌های تبلیغی زمینی و دریایی به مناطق تانسو، لیشیا و جینهای رسید و در مدت ۲۰۰ سال حضور پررنگ به بیش از ده انشعاب در مناطق مختلف چین تبدیل شد که فرقه خوفیه هواسی، مفتی، بی جیا جانگ، هو من، بی جوانگ، هونگ من، فامن، دینگ من و غیره می باشند و پیروان این فرقه ها عموماً در شمال غرب چین یعنی استان های گانسو، چینگهای، لینگشیا زندگی می کنند و در جنوب چین استان یون یان هم تعدادی از آنان وجود دارند.

ب. قادریه

مکتب قادریه یکی از فرقه های بزرگ تصوف در سرزمین چین است و بنیانگذار فرقه قادریه در چین «هلال الماسی» از مردم محله با فانگ در شهر مسلمان نشین لینشیا بود.

او در سال ۱۶۵۶م چشم به جهان گشود و از بدو تولد پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر خود رشد و نمو یافت.

ج. جهریه:

معنی اصلی "جهریه" علنی و صدای بلند است. مکتب جهریه یکی از مکاتب بزرگ تصوف در در چین است و به دلیل اینکه مکتب طرفدار قرائت ذکر با صدای بلند بود به جهریه مشهور شد. بنیانگذار جهریه ابویوسف همدانی متوفی (1140 میلادی) و از مهاجران ایرانی بود و این فرقه توسط خواجه عبدالقادر گیلانی (۱۰۷۸ - ۱۱۶۶م) گسترش یافت و در منطقه آسیای میانه توسط اسحاق فرزند مخدوم اعظم رایج و در قرن ۱۹ به عنوان سلسله سیاه کوهی به سین جیانگ منتقل شد.

این مکتب در میان مسلمانان هوی در منطقه شمال غربی چین برزگترین مکتب صوفیه بود. که تاثیرات فراوانی شکل گیری تاریخ مسلمانان هوی شمال غربی چین تا زمان معاصر ایفا نموده است. بنیانگذار مکتب جهریه در چین «ما مینگ سین» با اسم اسلامی ابراهیم بود.

او در سال ۱۷۱۹م در جیه جو به دنیا آمد و در سال ۱۷۸۱م در سن 63 سالگی به شهادت رسید و پس از شهادت به «شهید فدایی» ملقب شد.

منبع: سایت مسلمانا